

حقوق بزه‌دیده و شاهد در اسناد دیوان بین‌المللی دادگستری

بهزاد ساریخانلو

دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

چکیده

در اسناد بین‌المللی و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قواعدی پیرامون حفاظت از حقوق شهود و قربانیان پیش‌بینی شده است. این امر بدان لحاظ اهمیت دارد که نقش این افراد در روند دادرسی کیفری بسیار مهم و با اهمیت بوده و از موارد حائز اهمیت و لازمه عدالت قضایی است. عدم افشای هویت بزه‌دیده و شهود مققراتی را به‌همراه دارد. این نوشتار درصدد بررسی و تحلیل این مقرره‌ها در حمایت از حفظ حقوق قربانیان و شاهدان می‌باشد. نتیجه آنکه چنین تمهیداتی در شرایط خاص، جرائم مهم بیش از پیش دارای اهمیت می‌گردد. و از سوی دیگر این حمایت‌ها باید محدود به زمان مشخصی در روند دادرسی باشد.

واژگان کلیدی: قواعد دادرسی، اسناد بین‌المللی، دادگاه کیفری بین‌المللی، شاهد، قربانی

مقدمه

آیین دادرسی کیفری به عنوان بخشی از حقوق عمومی، وظیفه دارد ضمن نظاممند نمودن رسیدگی‌های کیفری، هدف این شاخه از حقوق را که همانا عدالت کیفری است، محقق سازد. وصول به عدالت کیفری منوط به آن است که بزه‌دیده یا شکایت‌کننده از ناحیه وی بتواند به دور از هر گونه تهدید و در کمال امنیت خاطر، شکایت خود را مطرح و پیگیری نماید. همچنین کلیه کسانی که حضور آنها در فرایند دادرسی به منظور کشف حقیقت ضروری است، باید به دور از هر گونه تهدید، در مرجع قضایی حضور یافته و قاضی را در یافتن واقعیت مساعدت نمایند.

ضرورتی که در بالا بیان شد، ایجاب می‌نماید بزه‌دیده و شاهد (اعم از شهود شاکی یا متهم) بدون دغدغه خاطر در فرایند دادرسی حضور یابند و نظام‌های تقنینی، قضایی و اجرایی، تامین‌کننده امنیت آنها در مقابل مخاطرات جانی، مالی و حیثیتی باشد. لذا در دهه‌های اخیر موضوع حمایت از بزه‌دیده و شاهد در اسناد بین‌المللی به‌ویژه اساسنامه و قواعد دادرسی و ادله دادگاه-های موردی (دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا) و دیگر دادگاه‌های موقت از جمله دادگاه ویژه سیرالئون، همچنین دیوان دائمی کیفری بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

شهادت شهود در تمامی نظام‌های حقوقی به عنوان یکی از مهمترین ادله اثبات جرم مطرح می‌باشد. توجه بیش از حد به ارزش اثباتی محتوای شهادت، پژوهشگران را از یکی از مهم‌ترین ارکان شهادت، یعنی حمایت از امنیت شاهد در فرایند دادرسی، مغفول ساخته است. شاهد که بار تحمل و ادای شهادت را بر عهده دارد، به‌ویژه در جرائم شدید و یا سازمان‌یافته همواره از ناحیه بزه‌کاران و یا همدستان آنها در معرض تهدید، آزار و اذیت جسمی و روانی است. ترس از تهدیدات مکرر در ایجاد خطرات جسمی و روحی که به طور مستقیم شاهد را مورد موجب عدم رغبت شهود به همکاری با دستگاه قضایی و در نتیجه، هدف قرار می‌دهد، غالبا عدم کشف جرائمی است که جامعه بشری به‌منظور حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و نظم عمومی نیاز مبرم به کشف و اثبات آنها دارد (مهدوی زرگر و اختر شهر، 1395).

در واقع، حمایت از شاهد، مجموعه اقدامات مالی، امنیتی، آموزشی و روانشناختی است که دستگاه عدالت کیفری برای مشارکت بیشتر شهود در فرایند دادرسی به کار می‌بندد. البته، این امر ممکن است با انتقاداتی همراه باشد. در نگاه اول، اجرای برخی از برنامه‌ها مانند مخفی ماندن هویت شهود و حمایت بیش از حد از وی در تعارض جدی با شماری از حقوق متهم از جمله حق پرسش از شهود و یا اصل تساوی سالح‌ها در رسیدگی قرار می‌گیرد. امری که در عمل از طریق توسل به اقداماتی خاص می‌توان آن را به حداقل رسانیده و جهات دادرسی عادلانه را تا حدودی تضمین نمود (رئوفیان و حسنزاده، 1389).

الف) حقوق قربانیان در رویه کیفری بین‌المللی

بزه‌دیده شخصی است که به طور مستقیم از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است. لذا بزه‌دیده می‌تواند شخصی حقیقی یا حقوقی باشد، ورود خسارت نیز باید به طور مستقیم ناشی از جرم باشد. به عبارت دیگر بزه‌دیده باید آماج مستقیم جرم باشد و خسارت به طور مستقیم متوجه او شود. توجه به این نکته لازم است که غالبا اشخاص دیگری غیر از بزه‌دیده نیز متحمل خسارت اعم از مادی یا معنوی می‌شوند، اما به آنها نمی‌توان عنوان بزه‌دیده داد. به عنوان مثال والدین کودکی که مورد آزار و اذیت جنسی

قرار گرفته، از جرم ارتكابی متاثر می‌شوند و در واقع بزه‌دیده غیر مستقیم هستند، اما بزه‌دیده مستقیم همان کودک است. (رایجیان اصلی، 1381). در مورد آنچه که به مفهوم «قربانی» مربوط می‌شود، اعلامیه مجمع عمومی ملل متحد در سال 1985 سهم مهمی دارد، مواد 1 و 2 این اعلامیه قربانیان را چنین تعریف کرده است:

1. منظور از قربانیان اشخاصی هستند که به صورت فردی یا دسته جمعی، متحمل خسارت بویژه صدمه به تمامیت جسمی یا روحی، زیان مادی یا آسیب شدید به حقوق اساسی خود، در اثر فعل یا ترک فعل ناشی از نقص قوانین کیفری شده‌اند

2. یک شخص ممکن است قربانی شناخته شود، فارغ از اینکه هویت مرتکب جرم، شناسایی و او تمقیب، دستگیر و مقصر اعلام شده باشد یا خیر و نسبت او با قربانی نیز اهمیتی ندارد. واژه قربانی، همچنین در صورت اقتضا، قوم و خویش نزدیک قربانی یا اشخاصی را در بر می‌گیرد که با دخالت خود به منظور کمک به قربانیان در معرض خطر یا برای جلوگیری از قربانی شدن متحمل خسارت گردیده‌اند (جیب‌زاده و همکاران 1385).

اساسنامه و آیین نامه دادرسی دو دادگاه اختصاصی که چند سال بعد تشکیل شدند همیشه یک معنای خیلی مضیق از قربانی را به کار می‌بردند، معنایی که محدود شده به «هر شخص حقیقی که نسبت به او جرمی ارتکاب یافته که رسیدگی به آن در صلاحیت این دادگاه قرار دارد». یک مفهوم موضع از قربانی توسط پروفیسور وان بوون در گزارشی که با عنوان اصول اساسی و دستور العمل‌های مربوط به حق بر جبران خسارت قربانیان نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به سازمان ملل متحد تقدیم گردید، ارائه شد که بویژه خانواده را شامل می‌شود. اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری واژه قربانی را تعریف نمی‌کند. یک سمینار بین المللی راجع به حقوق قربانیان که در سال 1999 در پاریس برگزار شد، به‌منظور تدوین آیین‌نامه دادرسی معنای نزدیک به آنچه که توسط وان بوون ارائه شده است، از واژه قربانی پیشنهاد نمود:

هر شخص یا گروهی از اقشار اشخاص که به طور مستقیم و غیر مستقیم، به‌صورت فردی یا دسته جمعی، در اثر وقوع جنایاتی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت این دادگاه است. متحمل خسارتی می‌گردد واژه «خسارت» تمام آسیب‌های جسمی یا روحی، هر نوع عذاب روحی، هر زیان مادی یا صدمه‌ی قابل توجه به حقوق اساسی را شامل می‌گردد. در صورت اقتضاء سازمان‌ها یا نهادهایی که مستقیماً از جنایت زیان دیده‌اند می‌توانند «قربانی» قلمداد شوند. نوعی مصالحه در آیین نامه‌ی دادرسی و ادله دیوان (ماده 85) دیده می‌شود:

الف) واژه «قربانی» شامل هر شخص حقیقی می‌شود که متحمل خسارتی ناشی از ارتکاب جنایتی شده است که رسیدگی به آن در صلاحیت این دادگاه قرار دارد. ب) واژه قربانی همچنین می‌تواند شامل هر سازمان با نهادی شود که به اموال اماکن و اشیای آن مانند اموالی که وقف مذهب، آموزش هنر، علوم یا احسان و خیرات شده یک بنای تاریخی، بیمارستان یا برخی اماکن و اشیای دیگری که در جهات بشردوستانه مورد استفاده‌اند، خسارت مستقیمی وارد شده باشد (جیب‌زاده و همکاران 1385).

1) طرح شکایت از سوی بزه‌دیده

در دادگاه‌های اختصاصی تنها دادستان برای طرح دعوا در دادگاه صلاحیت دارد و پیش‌بینی نشده است که قربانیان بتوانند نقشی در این امر ایفا کنند. برعکس به هنگام مذاکرات مربوط به اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، اعمال فشار و تلاش‌های سازمان‌های حمایت از قربانیان و حقوق بشر از حمایت اکثر کشورهای دارای سنت حقوقی قاره‌ای اروپایی و گروه کشورهای هم‌فکر برخوردار

گردید. این امر سرانجام به تصویب اساسنامه‌ای منجر شد که یک سری توانایی را به قربانیان عرضه می‌دارد، این توانایی‌ها در آیین دادرسی و ادله گسترش یافته است.

ماده 15 اساسنامه رم صریحا پیش‌بینی می‌کند که دادستان دادگاه بین‌المللی، اهم اطلاعاتی را که دریافت می‌کند، بررسی کرده و به ویژه با سازمان‌های غیر دولتی همکاری می‌کند بینی شده است که قربانیان بتوانند در چارچوب یک آیین دادرسی مقدماتی حضور داشته باشند. این امکان حضور، در عین حال یک حق طرح دعوا در دادگاه به شمار نمی‌آید و نمی‌توان از شکل‌گیری مدعی خصوصی صحبت کرد. مع هذا این امر نسبت به سنت کامن لا که آیین دادرسی دادگاه‌های اختصاصی را مشخص می‌کند، یک تحول واقعی محسوب می‌گردد. اساسنامه همچنین پیش‌بینی می‌کند که در صورت اعتراض نسبت به صلاحیت دادگاه یا قابلیت استماع کیفرخواست، این امکان به قربانیان داده شود که در مباحث و جریان دادرسی حضور داشته باشند. پیش‌نویس آیین دادرسی و ادله این اصل را مطرح می‌کند که دادستان باید قربانیان یا مشاور احتمالی آن‌ها را بلافاصله از تصمیمی که در مورد انجام تحقیقات انجام می‌گیرد باخبر سازد. او می‌تواند این کار را به صورت گروهی از طریق سازمان‌های حمایت از قربانیان انجام داده و از شاخه کمک به قربانیان و شهود دادگاه بین‌المللی کیفری کمک بگیرد. قربانیانی که بدین ترتیب مطلع می‌شوند، می‌توانند در مرحله اقامه دعوا در برابر دادگاه بدوی حاضر شده و نظرات خود را ابراز دارند، بدون اینکه اظهار نظر راجع به ماهیت دوام محدودیت داشته باشند. تصمیم دادگاه بدوی که غیر قابل تجدید نظر است، به آنها ابلاغ می‌شود. هر نوع تصمیم دادستان مبنی بر عدم تعقیب نیز چنین است. در مقابل چنین تصمیمی تنها یک دولت یا شورای امنیت می‌تواند از دادگاه بدوی تقاضای تجدید نظر کند، این دادگاه همچنین می‌تواند راساً تصمیم دادستان را مورد تجدید نظر قرار دهد. ماده 107 آیین دادرسی و ادله پیش‌بینی می‌کند که در هر وضعیت دادگاه می‌تواند از قربانیان دعوت کند که نظرات خود را ابراز دارند. این امر می‌تواند در عمل به یک نوع آیین دادرسی منجر گردد که شباهت فراوانی به آیین دادرسی در کشورهایی دارد که دارای نظام کیفری متأثر از سنت اروپایی هستند (جیب‌زاده و همکاران 1385).

2) نقش بزه‌دیده در روند دادرسی

نظرات ماده 6 (ب) اعلامیه 1985 پیش‌بینی می‌کند که نظرات قربانیان بایستی در دادرسی کیفری مورد توجه قرار گیرد: «ضمن فراهم کردن این فرصت که دادگاه‌ها و دغدغه‌های قربانیان، هنگامی که منافع شخصی آن‌ها در خطر است. در مراحل مقتضی دادرسی و در چارچوب سیستم عدالت کیفری کشور مربوط به مطرح و مورد بررسی قرار گیرد، بدون اینکه حقوق طرف مدافع تضییع گردد».

اخیرا کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد با تصویب یک توصیه نامه راجع به ورود گروهی از قربانیان در دادرسی به منظور «تقدیم دادگاه‌های جمعی جبران خسارت و دریافت دسته‌جمعی غرامت»، یک قدم فراتر رفته است. با وجود این آیین دادرسی دادگاه‌های اختصاصی هیچ نوع امکان دخالت قربانیان در نقشی غیر از نقش شهود دادسرا را پیش‌بینی نمی‌کند. این امر از سوی قربانیان و به ویژه سازمان‌های حامی بازماندگان و اقربای قربانیان جنایت نسل‌کشی روندا به عنوان خلا قانونی جدی احساس شده است، در حالی که همین افراد می‌توانند در برابر دادگاه‌های داخلی و رواندا به عنوان مدعی خصوصی اقامه دعوا کرده و حتی دولت را به عنوان شخصی که از نظر مدنی مسئولیت دارد به دادگاه احضار نماید.

دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا به نوبه خود این مشکل را شناسایی کرده و سعی و نموده است با اجازه دادن به نمایندگان برخی از انجمن‌های کمک به قربانیان یا کارشناسانی که به آن‌ها نزدیک هستند برای ورود در دعوا به عنوان «اشخاص غیر ذینفع»

آن را جبران نماید. از طرف دیگر دفتر دادگاه یک برنامه کمک به قربانیان تهیه کرده است که شامل صندوق پرداخت غرامت است. در سال 2001 میلادی، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای رواندا و یوگسلاوی سابق در نظر داشتند آیین دادرسی خود را به منظور اجازه نمایندگی قربانیان و احتمالاً اعطای غرامت تغییر دهند. سرانجام تصمیم بر این شد که از آن صرف نظر شود، به ویژه به دلیل مسئولیت سنگینی که این امر می‌توانست برای دادگاه‌ها به دنبال داشته باشد. در 12 اکتبر 2000، رئیس دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، گزارش مفصلی راجع به مسئله پرداخت غرامت به قربانیان و حضور آن‌ها در جلسه دادرسی به دبیر کل سازمان ملل تقدیم کرد، این گزارش از ایجاد یک صندوق غرامت با ارجاع صریح به کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد دفاع می‌کرد. چند هفته بعد نامه‌ای با همین مضمون توسط رئیس دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا به دبیر کل سازمان ملل ارسال گردید.

اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری، به خوبی، جایگاهی را برای قربانیان نه تنها در مرحله رسیدگی مقدماتی بلکه به خصوص در مرحله رسیدگی ماهوی پیش‌بینی می‌کند. ماده اصلی مربوط به قربانیان، عبارت از ماده‌ی 68 می‌باشد که عنوان آن با عبارت «حمایت از قربانیان و شهود و شرکت آن‌ها در دادرسی» ویژگی تاریخی آن را منعکس می‌کند (در پیش‌نویس اولیه تنها مفهوم حمایت گنجانده شده بود) بدین ترتیب، یک گشایش واقعی جهت ورود در دادرسی ایجاد شد.

«هرگاه منافع شخصی قربانیان مطرح باشد، دادگاه اجازه می‌دهد که دادگاه‌ها و دغدغه‌های ایشان در هر مرحله از مراحل دادرسی که دادگاه مناسب تشخیص دهد و به شیوه‌ای که نه مضر و نه برخلاف دفاع و اقتضاعات یک دادرسی عادلانه و بی‌طرف باشد، ابراز و مورد بررسی قرار گیرد. طبق آیین دادرسی و ادله این دادگاه‌ها و دغدغه‌ها می‌تواند توسط نمایندگان قانونی قربانیان ابراز شود آنگاه که دادگاه آن را مناسب تشخیص دهد». خاطر نشان می‌کنیم که از نظر برخی از حقوقدانان طرفدار نظام انگلوساکسون، «منافع شخصی قربانیان» هیچ ارتباطی با موضوع محرومیت ندارد و تنها مثلاً به به حمایت از آن به عنوان شهود مربوط می‌شود.

آیین دادرسی و ادله مجدداً عناصری را که در اساسنامه گنجانده شده بود، توسعه داد و آیین دادرسی شدیداً متأثر از نظام قاره‌ای «روپایی» به وجود آورد. مطابق این آیین نامه قربانیان می‌تواند به منظور (ورود) در دادرسی تقاضای ارائه دهند. در صورتی که درخواست کننده، بر اساس این آیین‌نامه واقعا یک قربانی محسوب شود، تقاضای م اصولاً از سوی دادگاه پذیرفته خواهد شد قربانیان می‌توانند به صورت فردی یا دسته جمعی به وکلا و یا سایر مشاوران نمایندگی دهند. این مشاوران و وکلا به جلسه دادرسی دعوت شده و از طرف دفتر دادگاه یک تصویر از مستندات دادرسی دریافت خواهند کرد.

با ماده 91 آیین دادرسی و ادله ورود کامل می‌شود این ماده پیش‌بینی می‌کند که مشاوران قربانیان، اصولاً حق شرکت در جلسات دادرسی را خواهند داشت. تنها در شرایط استثنایی، دادگاه می‌تواند دخالت این مشاوران را به ارائه لوایح دفاع یا تودیع نتیجه‌گیری‌های خود محدود کند با این حال، آن‌ها می‌توانند از دادگاه بخواهند که از شهود خبره و متهم بازجویی نماید یا توسط رئیس دادگاه از ایشان سوالاتی بکند. این ماده مستقیماً از پیشنهادات همایش پاریس اقتباس گردیده است. در این مقرر ضرورت رعایت حق دفاع، به ویژه تحت فشارهای «سازمان‌های عفو بین‌المللی» یادآوری شده است. این سازمان در متنی که در یک نشست کمیسیون مقدماتی ارائه شده، نگرانی‌هایی راجع به این موضوع ابراز کرده (جیب‌زاده و همکاران 1385).

3) حفظ هویت بزه دیده در دادرسی

جمعی بودن ماهیت جرایم (جنایات) داخل در صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی شامل نسل‌کشی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت، موجب گردیده در اسناد این دادگاه‌ها، شاهد و بزه‌دیده در کنار یکدیگر قرار گرفته و از تمهیدات تقریباً یکسانی برخوردار شوند. یکی از این تمهیدات، کتمان هویت این دو و عدم اعلام آن به متهم است.

در سال‌های اخیر استماع شهادت در دادگاه برای قربانی جرایم شدید کار بی‌زحمتی نیست. در سال‌های اخیر متوجه این واقعیت شده‌ایم که استماع شهادت، بویژه هنگامی که جرم از نوع تجاوزات جنسی بوده و قربانی مستقیماً با متجاوز خود روبرو می‌شود، می‌تواند عوارض روانی به دنبال داشته باشد. در دادرسی‌های مربوط به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت، بسیاری از شهود، قربانی شکنجه رفتارهای غیر انسانی تجاوز بودند و این چیزی است که وضعیت مشابهی را به وجود می‌آورد. به همین دلیل اساسنامه هر دو دادگاه اختصاصی صریحاً پیش‌بینی کرده است که دادگاه می‌تواند به صورت غیر علنی در پشت درهای بسته تشکیل جلسه دهد. ماده 75 آیین دادرسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق پیش‌بینی می‌کند که دادگاه می‌تواند به منظور حمایت از قربانیان و شهود اقدامات یا در زمان اجرای شهادت با توسل به وسایل مناسب، به ویژه با تجویز استفاده از یک تلویزیون مدار بسته یک طرفه، اتخاذ نماید. اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری این تجربه را اقتباس کرده است، آیین دادرسی و ادله یک سری مقرراتی را در بر دارد که باید از تعامل روانی و زندگی خصوصی شهودی که قربانی تجاوزات جنسی شدن حمایت کند، لذا برای اینکه شهادت آنها معتبر تلقی شوند نیازی به یک بازجویی رو در رو نیست.

در صورت تهدید یا وجود شرایط تهدیدآمیز، رضایت قربانی قابل ترتیب اثر نیست و از سکوت یا عدم مقاومت قربانی، رضایت وی نتیجه گرفته نمی‌شود. نمی‌توان از رفتار جنسی قربانی، قبل یا بعد از وقایع، به درستکاری، شرافتمندی یا تمایل جنسی وی پی برد. به علاوه بررسی و اثبات چنین وقایعی مجاز نیست. قطعاً وجود چنین مقرراتی بر شیوه بازجویی از شهود این‌گونه جرایم تاثیر خواهد گذاشت. بالاخره اینکه قربانیان، به ویژه قربانیان تجاوز جنسی ممکن است نه تنها پشت درهای بسته بدون اینکه به سالن استماع شهادت فراخوانده شوند و به وسیله ویدئوی مدار بسته، بلکه همچنین در حضور یک شخص مورد اعتماد (روانشناس، عضوی از خانواده و ...) مورد بازجویی قرار گیرند.

در رسیدگی‌های دیوان کیفری بین‌المللی نیز اهمیت حفاظت از شهود قابل‌مشاهده می‌باشد. این ضرورت بالاخص پس از اولین رسیدگی دیوان در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو و چالش‌های نهاد دادستانی در استفاده از شهادت شهود بیشتر احساس گردید. در رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو عملکرد ضعیف نهاد دادستانی در حفاظت از شهود منجر به آن گردید که امکان استفاده از این ابزار مفید در اثبات جرم آقای توماس لوبانگا استفاده بهینه نگردد.

به عبارت دیگر، دیوان بین‌المللی کیفری و بطور خاص نهاد دادستانی در استفاده از شهادت شهود ناموفق بود. در حقیقت، به آن اندازه که انتظار می‌رفت تا از شهادت شهود استفاده موثرتری انجام گیرد. این امر محقق نگردید. اساساً شهودی که در جریان رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با جمهوری دموکراتیک کنگو توسط دیوان بین‌المللی کیفری احضار شدند، به سه دسته تقسیم میشدند: الف- کسانی که شهادت خود رامسترد نمودند، ب- کسانی که شهادت ساختگی داده بودند، ج- کسانی که شهادت صحیح دادند (سبحانی، 2022: 126).

دادسرای دادگاه‌های بین‌المللی هیچ نوع نیروی پلیس خاصی را در اختیار ندارد، بنابراین حمایت از شهود در بیرون از دادگاه ممکن نیست مگر با همکاری کشورهای منطقه مربوطه یا دیگر کشورهایی که می‌خواهند از شهود، شاید با هویت دیگری، استقبال و از آنان حمایت کنند. این امر هنوز عملاً محقق نشده و در سال‌های اول، حفظ اسرار بازجویی گاهی رضایت‌بخش نبوده است.

بسیاری از شهود (بالمقوه) دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا به قتل رسیدند. علیرغم اینکه، دادستان دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا حق ندارد تصمیم بگیرد که یک شهادت، محرمانه باقی بماند؛ تنها دادگاه می‌تواند با برخی اقدامات حمایتی موافقت کند. اگر دادستان تقاضای اتخاذ اقدام حمایتی نکرده باشد، باید تمام پرونده را در یک مدت معقول و قبل استماع شعبه دو معقول و قبل شهود به اطلاع طرف مدافع برساند. در پرونده باگازورا شعبه دودادگاه آروشا دستور داد اطلاعاتی که شهود در جریان تحقیق ارائه کرده‌اند، طی دو هفته توسط دادستان ارسال گردد (بنی اسدی و همکاران، 1400).

در دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی ماده‌ی 88 قواعد داد که در زمینه‌ی حمایت از شاهد است، مقرر داشته است که دادگاه می‌تواند هر نوع اقدامی را برای تسهیل شهادت افراد آسیب پذیر همانند اطفال، قربانیان خشونت جنسی، و کسانی که شاهد آن بوده‌اند، برقرار سازد. این اقدامات می‌تواند از جمله شامل حضور خانواده شاهد یا یک روانپزشک، در زمان ادای شهادت باشد. بدین ترتیب، ماده مذکور به گونه‌ای تنظیم شده است که دادگاه بتواند در صورت لزوم و با توجه به اوضاع و احوال پرونده، دستورات مختلفی صادر کند (بردی، 2001).

دادستان، متهم و شاهد حق دارند از دادگاه، درخواست برقراری چنین اقداماتی را کنند؛ اما امکان تشکیل جلسه با حضور درخواست کننده و بدون اطلاع و حضور طرف دیگر، وجود دارد بدیهی است که علت وضع ماده 88، حمایت از شهودی است که ممکن است به علت ادای شهادت در معرض خطر انتقام قرار داشته باشد. به همین دلیل اگر بنا باشد در جلسه‌ای که به منظور بررسی درخواست شاهد تشکیل شود، طرف دیگر دادرسی نیز حضور داشته باشد، ماده مطبوع اثر خود را از دست خواهد داد.

ممکن است این گونه استدلال کن که بند 5 ماده 68 اساسنامه، دادستان را تنها مجاز به عدم افشای اطلاعاتی کرده است که می‌تواند خطر بزرگی برای شاهد یا خانواده او محسوب شود و این اقدام تنها باید قبل از برگزاری جلسه محاکمه، انجام شود. همچنین ماده 76 قواعد دادرسی، دادستان را پیش از محاکمه، ملزم به افشای نام و اظهارات شروع کرده و ماده 88 قواعد دادرسی صراحتاً اشاره‌ای به عدم افشای هویت شاهد نسبت به متهم نکرده است. همگی این موارد، دلالت دلرند و این که نمی‌توان هویت شاهد را از متهم مخفی نگه داشت؛ اما به این نکته می‌توان اشاره کرد که مواد فوق‌الذکر، منافاتی با حق دادگاه در برقراری اقدامات ویژه از جمله حمایت از هویت شاهد نسبت به متهم ندارد. همچنین در ماده‌ی 88 صراحتاً مقرر شده است که اقدامات حمایتی به آنچه که در ماده آمده محدود نمی‌شود، بلکه دادگاه می‌تواند دستورات دیگری را صادر کند. همچنین دادگاه می‌تواند بدون حضور طرف دیگر دادرسی، در درخواست ارائه شده را مورد بررسی قرار دهد که این خود می‌تواند استدلالی به نفع عدم افشای هویت شاهد باشد.

(ب) حقوق شهود در رویه کیفری بین الملل

شاهد در لغت به معنی گواه، حاضر و کسی که امری یا واقعه‌ای را مشاهده کرده باشد، آمده است (معین، 1371: 2006)؛ اما در اصطلاح حقوقی، تعریف واحدی از شاهد وجود ندارد و به همین جهت، در اسناد بین‌المللی هم تعریفی از شاهد وجود نداشته و نظام‌های حقوقی شهادت شهود از جمله مختلف در تعریف شاهد اختلاف نظر دارند (گاوراو گوپتا 2001، 2). شهادت شهود از جمله ارکان اساسی در تحقیقات کیفری به شمار می‌روند، زیرا در بسیاری از موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطلبی را شنیده‌اند، میسر نمی‌باشد. به همین دلیل، از شهود به چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری تعبیر شده است. اظهارات شهود معرفی‌شده توسط شاکی یا دادستان نقش بسیار مهمی در اثبات اتهام دارد. از آنجا که ممکن است شاهد در بیان حقایق و پاسخگویی به

سؤالاتی که در دادگاه از او پرسیده می‌شود، دچار مشکل گردد و نتواند مطالب خود را به نحو مناسب بیان کند، طی فرآیندی که در نظام دادرسی اتهامی پیش‌بینی گردیده است، نماینده دادستان یا وکیل شاکی در خلال مرحله تحقیقات مقدماتی، جلسه یا جلساتی را به منظور آماده ساختن شاهد برای ادای شهادت در دادگاه برگزار می‌کند و در آن، دلایل شاهد مورد بررسی قرار می‌گیرد و وی با چگونگی طرح سؤالات در دادگاه آشنا می‌شود. هدف از این اقدام، افزایش تأثیر شهادت در اثبات جرم است (تیلور، 1389: 39).

1) حفظ هویت شاهد در هنگام تحقیقات

اگرچه به استثنای شیوه‌های دادرسی که به دنبال جنگ جهانی دوم به وجود آمدند، تعقیب جنایات جنگی در دادگاه‌های بین‌المللی پدیده تازه‌ای است، این امر دلالت بر این ندارد که جامعه بین‌الملل به امر تحقیق درباره مواد نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشر دوستانه توجه نکرده است. بدین ترتیب، پروتکل اول الحاقی 1997 یک سازو کار نظارت و کنترل، یعنی کمیسیون بین‌المللی تحقیق، تاسیس کرده است که با این حال، اساساً و در اکثر موارد بی‌تأثیر و بیهوده باقی مانده است. با وجود این، سازمان ملل متحد در چارچوب تحقیقات راجع به اجرای حقوق بشر، بیش از پیش در اوضاع و احوال جنگی تحقیقاتی را انجام داده است. بویژه کمیسیون حقوق بشر و از سال 1993، کمیسر عالی حقوق بشر در جریان مخصصات متعدد تحقیقات میدانی توسط یک گزارشگر ویژه انجام داده‌اند.

از زمان تشخیص دادگاه‌های بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا، مسائل مربوط به حمایت از شهود تشدید شده است. در واقع، شهادت در دادگاه تنها آثار سیاسی روانی نداشته و می‌تواند نتایج شدیدی برای متهم به همراه داشته باشد.

شهود همیشه حقیقت را نمی‌گویند. آن‌ها ممکن است از هر طرف فشارهایی را متحمل شوند، تحت تأثیر قرار گرفته یا از مقابله به مثل حتی نسبت به خانواده خود بترسند. آن‌ها همچنین ممکن است اشتباه کنند. بنابراین طبیعی است که اقتضائات مربوط به کیفیت شهادت در چارچوب یک تحقیق قضایی، دقیق‌تر و سخت‌تر از اقتضائات یک تحقیق در مورد وقایعی باشد که حداکثر ممکن است قرینه‌ای علیه یک دولت باشد. اکثر قوانین داخلی تضمین‌هایی را پیش‌بینی می‌کنند از قبیل ادای سوگند و مجازات‌های مربوط به سوگند دروغ، امکان طرف مدافع برای دسترسی به اطلاعات این موجود در پرونده در جریان تحقیق یا حداقل قبل از جلسه استماع، بازجویی از شهود به هنگام استماع شهادت یا درخواست از دادگاه مبنی بر بازجویی از آن‌ها. این ضمانت‌ها همچنین در ماده 6 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ماده‌ی 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده‌اند.

با این همه، شهود نیز حقوقی دارند که ممکن است احتمالاً با حقوق متهمان در تعارض قرار گیرد. به علاوه، اگر شهود قربانی باشند، آن‌ها حق بر کرامت انسانی و حمایت از امنیت و زندگی خصوصی خود را داشته و نباید تحت فشار قرار گیرند. این حقوق به هنگام تحقیق و استماع قربانیان به عنوان شاهد باید رعایت گردند.

به هنگام تاسیس دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق پیش‌بینی شده بود که آیین‌نامه دادرسی باید «حمایت از قربانیان و شهود» را مد نظر داشته باشد و بدین ترتیب با آن‌ها به عنوان یک گروه واحد رفتار شود. ماده 22 اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق پیش‌بینی می‌کند که آیین‌نامه دادرسی باید حمایت از شهود و قربانیان را، در صورت اقتضا با حفظ هویت آن‌ها، تضمین کند. این امر در آیین‌نامه دادرسی که توسط دادگاه فوق تهیه گردید، توفین شده است. حتی قبل از آنکه موضوع احضار

مطرح باشد، دادستان می‌تواند از دادگاه بخواهد که مطابق با ماده 69 این آیین‌نامه، هویت برخی از شهود را فاش نکند در دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا نیز مقررات مشابهی اعمال می‌شود.

به علاوه، آیین‌نامه دادرسی که توسط دو دادگاه مذکور تهیه شده است، تاسیس یک «بخش کمک به قربانیان و شهود» را در دفتر دادگاه پیش‌بینی نموده است. این بخش نظرات خود را در مورد اقداماتی که لازم است در جهت تضمین امنیت شهود انجام شود ارائه داده و به قربانیان و شهود، بویژه در مورد کسانی که قربانی جرایم خشونت‌آمیز و یا تجاوزات جنسی شده‌اند، کمک می‌کند و تصریح شده است که هنگام انتصاب پرسنل این بخش باید ضرورت استخدام و به کارگیری زنان برخوردار از تخصص لازم مورد توجه قرار گیرد، همچنین دادسرا به موضوع حمایت از شهود نه تنها با پیش‌بینی حمایت مادی، بلکه علاوه بر آن با پیش‌بینی همراهی یک پزشک و روانشناس، توجه ویژه‌ای مبذول داشته است. با توجه به استماع همزمان شهود توسط طرفین و تألمات عمیقی که قربانیان نسل‌کشی، کشتار و تجاوزات دسته‌جمعی متحمل شده‌اند، این موضوع در آیین دادرسی از نوع کاملاً یک امر لوکس و زینتی به حساب نمی‌آید.

دادسرای دادگاه‌های بین‌المللی هیچ نوع نیروی پلیس خاصی را در اختیار ندارد، بنابراین حمایت از شهود در بیرون از دادگاه ممکن نیست مگر با همکاری کشورهای منطقه مربوطه یا دیگر کشورهایی که می‌خواهند از شهود، شاید با هویت دیگری، استقبال و از آنان حمایت کنند. این امر هنوز عملاً محقق نشده و در سال‌های اول، حفظ اسرار بازجویی گاهی رضایت‌بخش نبوده است. بسیاری از شهود (بالقوه) دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا به قتل رسیدند. علیرغم اینکه، دادستان دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا حق ندارد تصمیم بگیرد که یک شهادت، محرمانه باقی بماند؛ تنها دادگاه می‌تواند با برخی اقدامات حمایتی موافقت کند. اگر دادستان تقاضای اتخاذ اقدام حمایتی نکرده باشد، باید تمام پرونده را در یک مدت معقول و قبل از استماع شهود به اطلاع طرف مدافع برساند. در پرونده باگازورا شعبه دو دادگاه آروشا دستور داد اطلاعاتی که شهود در جریان تحقیق ارائه کرده‌اند، طی دو هفته توسط دادستان ارسال گردد. هرگاه امنیت یک شاهد یا خانواده‌اش در معرض تهدید باشد، دادستان می‌تواند برخی دلیل را جمع‌آوری کرده و تنها خالص‌های از آن‌ها را ارسال نماید. هویت برخی از شهود ممکن است از پرونده حذف شود. با وجود این، چنین اقداماتی باید با حقوق متهم بر یک دادرسی عادلانه مطابقت داشته باشد. شهود همچنین می‌توانند شخصاً تقاضای حمایت، از جمله تقاضای عدم افشای نام، نمایند. بر اساس آیین‌نامه دیوان، آیین دادرسی خاصی پیش‌بینی شده است که در آن شاهد می‌تواند حضور داشته و در صورت مقتضی از طریق یک مشاور، نمایندگی شود. به هنگام یک چنین رسیدگی، حضور خود شاهد ممکن است به صورت گمنام انجام شود (همان، موارد 87 و 88).

بر این اساس، هم در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در قانون آیین دادرسی کیفری، مقرراتی دیده می‌شود که حکایت از این امر دارند که قلمرو حمایت از شهود محدود به نیازهای آن‌ها می‌باشد. تمام عوامل عدالت کیفری از ابتدا تا انتها، باید در بدو ورود، نیازهای شهود را ارزیابی کرده و تمام نیازهای حمایتی آن‌ها را تا جایی که با حقوق متهم منافات نداشته باشد و امکانات یاری دهد، پاسخ دهند؛ بنابراین، حتی ممکن است چتر حمایت از شهود، از شخص شاهد گسترده‌تر شده و بستگان وی را نیز پوشش دهد (کاظمی و طهماسبی، 1390). برنامه‌های حمایتی از شهود به برنامه‌های روانشناختی، امنیتی و برنامه‌هایی در جهت مخفی ماندن هویت شهود تقسیم می‌گردند که البته، هر یک از آنها ممکن است با توجه به نیاز و سایر شرایط، در مراحل پیشاز دادرسی، در حین فرآیند دادرسی و پس از دادرسی مورد استفاده قرار گیرند (موذن زادگان و رئوفیان، 1389 : 207).

حمایت از شهود در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی سابقه داشته است و دادگاه‌های بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در لاهه و دادگاه بین‌المللی رواندا در آروشای تانزانیا از جمله محاکمی هستند که توسط شورای امنیت، با صلاحیت خاص و به صورت غیردائمی، تأسیس شده‌اند. در تمام سال‌هایی که محاکم بین‌المللی شروع به فعالیت کردند، شهود زیادی متحمل اقدامات تلافیجویانه‌ای شده‌اند و گاهی همکاری آن‌ها با تحقیق‌کنندگان بین‌المللی به قیمت جان آن‌ها تمام شده است. سازمان‌های غیردولتی که اطلاعاتی به گروه‌های تحقیق داده‌اند، تحت فشار قرار گرفته‌اند. بنابراین، نمی‌توان مسئولیت خود تحقیق‌کنندگان را بیش از حد مورد تأکید قرار داد؛ مبنی بر اینکه باید بیشترین احتیاط را نسبت به خطراتی که یک شهادت به دنبال دارد، به عمل آورند، حتی اگر خود شاهد این خطرات را مطرح نکنند. شخصی که مورد بازجویی قرار می‌گیرد، باید بداند که اطلاعات او به چه چیزی کمک خواهد کرد. در واقع، بین اطلاعاتی که به صورت محرمانه داده می‌شود و اطلاعاتی که قابل انتشار است، تفاوت زیادی وجود دارد. این موضوع به همان اندازه که در برابر دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق مطرح شده بود، هنگام تهیه آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری نیز مطرح شده است (والین، 1385: 48).

اساسنامه دادگاه یوگسلاوی در 1993 م مورد تصویب قرار گرفت و ماده 22 اساسنامه مذکور دادگاه را مکلف به در نظر گرفتن تدابیر حمایتی از بزه‌دیدگان و شهود نموده و به مصادیقی از این حمایت‌ها از قبیل دادرسی غیرعلنی و یا مجموعه اقداماتی در راستای مخفی ماندن هویت شهود اشاره کرده است. قاعده 65 آیین دادرسی و ادله دیگر سند حاکم بر این دادگاه‌ها نیز، دادگاه را مکلف کرده است که در صورت نظر بر آزادی متهم، امنیت شهود و قربانیان را در نظر بگیرد. قاعده 75 آیین دادرسی مزبور، به مجموعه اقداماتی در جهت حفاظت از بزه‌دیدگان و شهود اشاره نموده است. در همان قاعده به مواردی مانند استفاده از صدای جایگزین، تلویزیون مداربسته و یا تصاویر جایگزین جهت عدم شناسایی هویت شهود تصریح شده است. در رسیدگی‌های دیوان کیفری بین‌المللی نیز اهمیت حفاظت از شهود قابل‌مشاهده می‌باشد. این ضرورت بالاخص پس از اولین رسیدگی دیوان در وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو و چالش‌های نهاد دادستانی در استفاده از شهادت شهود بیشتر احساس گردید. در رسیدگی به وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو عملکرد ضعیف نهاد دادستانی در حفاظت از شهود منجر به آن گردید که امکان استفاده از این ابزار مفید در اثبات جرم آقای توماس لوبانگا استفاده بهینه نگردد.

به عبارت دیگر، دیوان بین‌المللی کیفری و به‌طور خاص نهاد دادستانی در استفاده از شهادت شهود ناموفق بود. در حقیقت، به آن اندازه که انتظار می‌رفت تا از شهادت شهود استفاده مؤثری صورت گیرد، این امر محقق نگردید. اساساً شهودی که در جریان رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با جمهوری دموکراتیک کنگو توسط دیوان بین‌المللی کیفری احضار شدند، به سه دسته تقسیم می‌شدند: الف- کسانی که شهادت خود را مسترد نمودند، ب- کسانی که شهادت ساختگی داده بودند، ج- کسانی که شهادت صحیح دادند (سبحانی، 2022: 126).

دادسرای دادگاه‌های بین‌المللی هیچ نوع نیروی پلیس خاصی را در اختیار ندارد، بنابراین حمایت از شهود در بیرون از دادگاه ممکن نیست مگر با همکاری کشورهای منطقه مربوطه یا دیگر کشورهایی که می‌خواهند از شهود، شاید با هویت دیگری، استقبال و از آنان حمایت کنند. این امر هنوز عمال محقق نشده و در سال‌های اول، حفظ اسرار بازجویی گاهی رضایت‌بخش نبوده است. بسیاری از شهود بالقوه دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا به قتل رسیدند. علیرغم اینکه، دادستان دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا حق ندارد تصمیم بگیرد که یک شهادت، محرمانه باقی بماند؛ تنها دادگاه می‌تواند با برخی اقدامات حمایتی موافقت کند. اگر دادستان تقاضای اتخاذ اقدام حمایتی نکرده باشد، باید تمام پرونده را در یک مدت معقول و قبل از استماع شهود به اطلاع

طرف مدافع برساند. در پرونده باگازور شعبه دو دادگاه آروشا دستور داد اطلاعاتی که شهود در جریان تحقیق ارائه کرده‌اند، طی دو هفته توسط دادستان ارسال گردد.

حق بر حمایت، صرفا به شهود و قربانیانی که به دادگاه احضار می‌شوند اختصاص ندارد، بلکه شامل اشخاص دیگری مثل اعضای خانواده می‌شود که به سبب این احضار به دادگاه، ممکن است خطری متوجه آن‌ها گردد. همچنین، پیش‌بینی شده است که به منظور حفظ منافع قربانیان، به‌ویژه کودکان یا قربانیان جرائم جنسی، استماع شهود می‌تواند در پشت درهای بسته انجام شود و اینکه می‌توان از طریق ویدیوی مداربسته یا روش‌های دیگر از شهود بازجویی نمود. (آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری، مواد 67 و 68).

هرگاه امنیت یک شاهد یا خانواده‌اش در معرض تهدید باشد، دادستان می‌تواند برخی دلیل را جمع‌آوری کرده و تنها خالص-های از آن‌ها را ارسال نماید. هویت برخی از شهود ممکن است از پرونده حذف شود. با وجود این، چنین اقداماتی باید با حقوق متهم بر یک دادرسی عادلانه مطابقت داشته باشد. شهود همچنین می‌تواند شخصا تقاضای حمایت، از جمله تقاضای عدم افشای نام، نمایند. بر اساس آیین‌نامه دیوان، آیین دادرسی خاصی پیش‌بینی شده است که در آن شاهد می‌تواند حضور داشته و در صورت مقتضی از طریق یک مشاور، نمایندگی شود. به هنگام یک چنین رسیدگی، حضور خود شاهد ممکن است به صورت گمنام انجام شود (همان، موارد 87 و 88).

ادای شهادت در دادگاه برای قربانی جرائم شدید کار بیزحمتی نیست. در سال‌های اخیر متوجه این واقعیت شده‌ایم که استماع شهادت، به‌ویژه هنگامی که جرم از نوع تجاوزات جنسی با متجاوز خود روبرو می‌شود، می‌تواند عوارض روانی به دنبال داشته بوده و قربانی مستقیما باشد. در دادرسی‌های مربوط به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، بسیاری از شهود، قربانی شکنجه، رفتارهای غیرانسانی یا تجاوز بوده‌اند و این چیزی است که وضعیت مشابهی پیش‌بینی را به وجود می‌آورد. به همین دلیل، اساسنامه هر دو دادگاه اختصاصی صریحا کرده است که دادگاه می‌تواند به صورت غیرعلنی در پشت درهای بسته تشکیل جلسه دهد. ماده 75 آیین‌نامه دادرسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق پیش‌بینی می‌کند که دادگاه می‌تواند به منظور حمایت از قربانیان و شهود، اقداماتی را در زمان اجرای شهادت با توسل به وسایل مناسب، به‌ویژه با تجویز استفاده از یک تلویزیون مداربسته یک‌طرفه، اتخاذ نماید. اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری این تجربه را اقتباس کرده است. آیین‌نامه دادرسی و ادله، یک سری مقرراتی را دربردارد که باید از تعادل روانی و زندگی خصوصی شهودی که قربانی تجاوزات جنسی شده‌اند، حمایت کند؛ لذا، برای اینکه شهادت آن‌ها معتبر تلقی شود، نیازی به یک بازجویی رودرو نیست.

در صورت تهدید یا وجود شرایط تهدیدآمیز، رضایت قربانی قابل ترتیب اثر نیست و از سکوت یا عدم مقاومت قربانی، رضایت وی نتیجه گرفته نمی‌شود. نمی‌توان از رفتار جنسی قربانی، قبل یا بعد از وقایع، به درستکاری، شرافتمندی یا تمایل جنسی وی پی برد. به‌علاوه وجود چنین مقرراتی بر شیوه بازجویی از بررسی و اثبات چنین وقایعی مجاز نیست. قطعا شهود این گونه جرائم تأثیر خواهد گذاشت. بالاخره اینکه قربانیان، به‌ویژه قربانیان تجاوزات جنسی، ممکن است نه تنها پشت درهای بسته بدون اینکه به سالن استماع شهادت فراخوانده شوند و به‌وسیله ویدیوی مداربسته، بلکه همچنین در حضور یک شخص مورد اعتماد روانشناس، عضوی از خانواده و... مورد بازجویی قرار گیرند (والین، منبع پیشین: 52).

با توجه به برنامه‌های حمایتی برای حفظ حقوق و امنیت شهود در دیوان کیفری بین‌المللی می‌توان این برنامه‌ها را در سه قالب برنامه‌های حمایتی - امنیتی، حمایتی - روانشناختی و برنامه‌هایی در جهت مخفی ماندن هویت شهود تقسیم‌بندی نمود.

2) حفظ اسرار شغلی شهود

آیین‌نامه دادرسی دادگاه‌های اختصاصی پیشاپیش شامل یک سری مقرراتی است که به دادستان این اختیار را می‌دهد که محرمانی بودن اطلاعاتی را که توسط اشخاص ثالث تهیه و به اداره او ارسال گردیده است و همچنین شهادت افرادی را دادگاه نمی‌آنها را مجبور کند اسرار شغلی خود را فاش کنند، حفظ نماید. آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری در این مورد خیلی صریح بوده و یژگی محرمانه بودن ارتباط بین یک شخص و روان‌پزشک، روانشناس و مشاورش یا کسی که نزد او به اعمال و رفتار خود اقرار نموده است را به رسمیت می‌شناسد.

در مورد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ضرورت حفظ محرمانه بودن برخی اطلاعات دقیقاً با بیم عدم دسترسی به قربانیان (محیط - های زندان و غیره) مرتبط است، اگر شهادت‌دهنده از یک شهادت علیه خودش بیمناک باشد. در یک رای، دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق این حق را برای نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به رسمیت شناخت که اطلاعات مربوط به فعالیت‌های خود را ارائه نکنند. این آیین‌نامه دادرسی و ادله بین‌المللی کیفری همچنین شامل مقررات روشنی در مورد حمایت از اسرار شغلی همکاران کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌باشد. هر نوع اطلاعاتی که همکاران کمیته در چارچوب فعالیت‌های خود به - دست آورده‌اند محرمانه است. لازمه این امر آن است که دادستان و دادگاه نتواند به هنگام ادای شهادت، افشای چنین اطلاعاتی را درخواست نمایند. با وجود این، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ خود می‌تواند از تعهد محرمانه بودن چشم‌پوشی کند و این امری است که می‌تواند موضوع یک توافق بین دادگاه و موسسه واقع شود.

بحث و نتیجه‌گیری

اندیشه و تفکر راجع به حقوق قربانیان و شهود در دهه‌های اخیر به‌طور اساسی تغییرات شگرفی داشته است. دادگاه‌های اختصاصی، و به‌دنبال آن دیوان کیفری بین‌المللی ساز و کارهایی را برای حمایت از شهود و قربانیان ایجاد کرده‌اند که در اکثر نظام‌های داخلی وجود نداشت. این در حالیست که وضعیت حقوق قربانیان با نبودن چنین حمایت‌ها و حفاظت‌هایی در روند دادرسی کیفری در دادگاه‌ها مطلوب و رضایت‌بخش نیست. بین حقوق قربانیان و حقوق متهمان و شهود در دادگاه کیفری بین‌المللی سازش قابل قبولی به‌وجود آمده است. همان‌گونه که برخی قضاات دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق و رندا مطلوب است که اساس‌نامه این دادگاه‌ها حقوقی را همانند حقوق قربانیان در دادگاه بین‌المللی کیفری بهره‌مند گردند که این امر زمانی حائز اهمیت و ضرورت می‌گردد که بقیه پرونده‌های در حال رسیدگی در دادگاه اختصاصی همچون دادگاه لبنان بتوانند به شعبات تخصصی احاله گردند.

حمایت و حفاظت از شهود یکی از پیچیده‌ترین و دشوارترین مسائل حقوق بین الملل بشر دوستانه می‌باشد، به‌ویژه در چارچوب دادرسی‌ها علیه اشخاصی که مرتکب نقض شدید و فاحش این حقوق است. نه حمایت از شهود و نه حق دفاع نمی‌تواند به‌عنوان یک اصل مطلق مورد توجه قرار گیرد. در هر وضعیت و موقعیتی خصوصاً در روند دادرسی جا دارد منافع شهود و قربانیان با منافع متهمان در حالت موازنه قرار بگیرد. و در صورت تردید این توازن باید به نفع متهم از بین برود. در پایان می‌توان اظهار داشت که

قواعد دادگاه کیفری بین الملل با دقت بیشتری با این مسائل برخورد کرده و در حد مطلوبی توانسته نسبت به ایجاد توازن بین این حقوق و حفظ حقوق شهود و قربانیان برقرار کند.

منابع

- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده در فرایند کیفری، تهران: خط سوم، چاپ نخست، 1381.
- والین، لوک، «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان»، برگردان: توکل حبیبزاده و مجتبی جعفری، مجله‌ی حقوقی، تهران: دفتر جدید/ شماره‌ی 8 تعالی حقوق/ دوره‌ی فصلنامه‌ی 113 خدمات حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره‌ی 34، 1385.
- روستایی نژاد، علی؛ اواسط خانجانی، علی (1396) جایگاه شهادت شهود در اثبات جرائم شرعی. فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، 3(4)، 26 – 42.
- پرویزی فرد، آیت اله (1385) حمایت از شهود در قوانین کیفری و اسناد بین‌المللی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- موزن زادگان، حسنعلی؛ رئوفیان، حمید (1389). حمایت از امنیت شهود در فرآیند دادرسی کیفری. فصلنامه دیدگاه حقوقی، 56، 226 – 203.
- والین، لوک (1385). قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان. مجله حقوقی، 34، 56 – 33.
- سبحانی، محمدرضا؛ موسی زاده، رضا؛ شریفی طرازکوهی، حسین؛ منصوری، سعید (1399). مفهوم و جایگاه صالح‌دید در حقوق بین‌الملل. مجله تحقیقات حقوقی بین‌المللی، 13 – (47)، 26-1.
- آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری، مواد 67 و 68
- آیین‌نامه دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری، مواد 87 و 88

آیین نامه دادرسی و ادله دادگاه بین المللی کیفری، مواد 50

آیین دادرسی و ادله بین المللی کیفری، ماده 85.

اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق، ماده 22

اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق، ماده 70 و 78

آیین نامه دادرسی و ادله دادگاه بین المللی کیفری، ماده 88

رئوفیان، حمید؛ حسنزاده محمدی، ابوالفضل (1389). حمایت از شهود در چالش با حقوق دفاعی متهم. حقوق دادگستری، 74(71)، 109-93.

دادگاه بین المللی کیفری برای رواندا، نامه مورخ 2000/12/14 «پیلای» (رئیس دادگاه) به دبیر کل سازمان ملل متحد Doc. ONU S/2000/1198

سمینار بین المللی راجع به دسترسی قربانیان به دادگاه بین المللی کیفری، گزارش کارگاهها، پاریس، 1999.

آیین نامه دادرسی دادگاه بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق ماده 2 (الف) و آیین نامه دادرسی دادگاه بین المللی کیفری برای رواندا ماده 2 (الف).

عظیم زاده، شادی. دژخواه، علی (1392). حمایت از هویت بزه دیده و شاهد و تعارض آن با حق دفاع متهم با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری، فصلنامه تعالی حقوق / دوره جدید / شماره 8.

تقی پور، علیرضا، (1389). محدودیت های حق پرسش متهم در قواعد دادرسی و رویه قضای دادگاه های کیفری بین المللی، نشریه علمی- پژوهشی فقه . حقوق اسلامی، سال اول، شماره دوم، بهار- تابستان، صص 19-23.

بنی اسدی، زینب، امیریان، امین، حیدری، الهام (1400)، حفاظت از امنیت شهود در نظام کیفری ایران و دیوان کیفری بین المللی، فصلنامه علمی مطالعات بین المللی پلیس، دوره سیزدهم، شماره 49، بهار 1401، صص 245-224.

مهدوی زرگر، سهند؛ اخترشهر، علی (1395) حمایت از شهود در فرایند دادرسی با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392. همایش ملی علوم اسامی حقوق و مدیریت، 1، 13-1.

Doc ONU E/CN. 4/1997/104 du 16 janvier 1997.

Gasana Ndoba, "Les victims face a la justice. Rwanda, deux ans apres le genocide: guelles juridictions pour quells cririnel?", A. destexhe et M. foret (Eds) , De Nuremberg a la haye et Arusha, Ed Bruylant, Bruxelles,

Rome Statue of the International Criminal Court (1998).

Rules of Procedure and Evidence of International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (1993)

Statute of the special Court for Sierraleonr (2000)

Prosecutor V.Edouard Karmara, Case No.ICTR-98-44-T, "decision on prosecutor's Confidential Motion for Special Protective Measures for Witness ADE", 3 may 2006.

Prosecutor V.Dusko Tadic, case No. IT-979-T, ICTY.Ch.II, 7 may 1997. prosecutor V.Chales Chankey Taylor, Case No. 2003.Sc sl-3-1-PT. <http://www.lnum.enu/humanrst/icty/Statue.html>

Amnesty international, the international criminal court: Ensuring an effective role for victims, prepcom juillet 1999, p. 15, www.icg.apc.org/icc/html/ai_199907a.

S/Res. 687 (1991) , par, 16.

Alan gresh, op, cit. (nots 3). P. 17.

Brady, Helen (2001), “Protective And Special Measure For Victims and Witnesses” In Roy s. Lee, Hakan Friman, Silvia A. Fernandez de Gurmendi, Herman Von Hebel And Darryl Robinson (eds.), The International Criminal Court: Elements of Crimes And Rules of Procedure And Evidence, Transnational Publishers Inc

The rights of victims and witnesses in the documents of the International Court of Justice

Behzad sarikhanlou

, MA. Graduated in criminal Law, Department of Law, tabize University, Iran.

Abstract

In the international documents and the statute of the International Criminal Court, there are rules regarding the protection of the rights of witnesses and victims. This is important in the sense that the role of these people in the criminal proceedings is very important and important, and it is one of the important and necessary cases of judicial justice. Non-disclosure of the identity of the victim and the intuition leads to suspicion. This article seeks to review and analyze these regulations in support of protecting the rights of victims and witnesses. As a result, the preparation of important crimes becomes more important in special circumstances. And on the other hand, these protections should be limited to a certain time in the proceedings.

Keywords: procedural rules, international documents, international criminal court, witness, victim